



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)
doi <http://dx.doi.org/10.22067/PG.2023.83452.1226>

پژوهشی

تهدید زیست‌محیطی و امنیت جامعه در ایران امروز

محمد تقی قزلسفلی (دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران)

m.ghazel@umz.ac.ir

سید مصطفی موسوی اصل (دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش مسائل ایران، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. نویسنده

مسئول)

mostafa.mousavi84@gmail.com

علی اکبر جعفری (دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران)

a.jafari@umz.ac.ir

چکیده

محیط‌زیست به مثابه‌ی ساحت زندگانی بشر، بستر بالندگی انسان، بر این کره‌ی خاکی را میسر نموده است؛ لیکن محیط طبیعی بر اثر کنش‌های انسانی و زیاده‌خواهی آن، با چالش‌های گوناگونی روبرو گشته است. هر چند سالیان زیادی از طرح مسئله‌های زیست‌محیطی در ادبیات امنیتی نمی‌گذرد لکن امروزه اهمیت تهدیدات ناشی از محیط‌زیست و تأثیرات آن بر امنیت در سطوح فردی، جامعه‌ای و ملی برکسی پوشیده نیست. بروز این تهدیدات بستر ساز اشاعه‌ی آن به دیگر نقاط کره‌ی زمین است. به بیان بهتر، تهدیداتی از این جنس گریبان‌گیر مکان و دولت خاصی نخواهد بود. از همین‌رو ایران نه تنها از این امر مستثنی نبوده بلکه همواره با چنین تهدیداتی دست به گریبان بوده است. درحقیقت تخریب محیط‌زیست طی سالیان گذشته در پهنه‌ی جغرافیایی کشورمان روبه‌فزونی نهاده و در قد و قامت بحران نمود یافته است. مقاله‌ی حاضر با هدف واکاوی پیامدهای تهدیدات زیست‌محیطی بر امنیت جامعه‌ای، در پی پاسخ به این پرسش است که تهدیدات زیست‌محیطی چه تأثیری بر امنیت جامعه‌ای ایران برجای می‌گذارند؟ در پاسخ، این فرض اساس کار قرار گرفته است که به نظر می‌رسد در ایران امروز، تهدیدات زیست‌محیطی و پیامدهای منبث از آن همچون مساله مهاجرت، با به چالش کشیدن هویت افراد و گروه‌های اجتماعی، امنیت جامعه‌ای ایران را با مخاطره روبرو می‌سازد. انگاره‌ای که یافته‌های پژوهش بر تحقق آن در جامعه‌ی ایرانی صحه می‌گذارد. برای بررسی موضوع، ضمن استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از چارچوب نظری امنیت جامعه‌ای، به اسناد و منابع کتابخانه‌ای مرتبط رجوع شده است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، تهدیدات زیست محیطی، مهاجرت، امنیت جامعه‌ای.

مقدمه

از نخستین لحظه خلقت بشر، پیوندی تنگاتنگ میان انسان و محیط زیست به وجود آمده است لکن این پیوستگی ایستا نبوده و به مرور زمان، بر ابعاد و پیچیدگی‌هایش افزوده شده است. محیط زیست به مثابه‌ی ساحت حیات انسان، بستر تعالی و رشد آدمیان در کره‌ی زمین را مهیا نموده است. در حقیقت هستی‌زندگی انسان، ارتباطی وثیق با محیط زیست پیرامونی‌اش دارد. نگاهی گذرا به دگردیسی‌های جوامع بشری مؤید این مطلب است که بسیاری از مخاطرات پیش‌روی بشر، ریشه در جستارهای زیست‌محیطی دارد. امری که طی دهه‌های گذشته چالش‌های بنیادینی را برای امنیت انسانی به وجود آورده است. بدون شک محیط زیست و امنیت در چارچوب پنداره‌ی امنیت زیست‌محیطی^۱ پیوندی تنگاتنگ داشته و هرگونه کژکارکردی در مولفه‌های زیست‌کره^۲، زندگی بشر و آینده‌ی آن را با هراسی بی‌پایان مواجه می‌سازد. از همین‌رو تهدیدات زیست‌محیطی در هر سطحی، امنیت انسان را با چالش‌های اساسی روبرو می‌سازد. مخاطراتی مانند تغییرات اقلیمی^۳، گرمایش جهانی^۴، کاهش تنوع زیستی^۵، بیابان‌زایی^۶، آلودگی هوا^۷، فرونشست زمین^۸، خشکسالی^۹ و بحران آب^{۱۰} که پیامدهای هرکدام از این تهدیدها، تمدن بشری را تحت‌الشعاع قرار خواهد داد. مخاطراتی که ریشه در کنش‌های انسانی و زیاده‌خواهی آن، در راستای بهره‌کشی افسارگسیخته از طبیعت و تسلط بر منابع محدود آن دارد.

پیدایی تهدیدات زیست‌محیطی به هر میزان و اندازه‌ای، موجب گسترش آن به دیگر نواحی زیست‌کره می‌شود. «زمین و جو آن دارای اکوسیستم واحدی می‌باشد و هر خطری در هر بخشی از کره زمین تهدیداتی را در بخش‌های دیگر ایجاد خواهد کرد.» (Kia, 2021: 30-31). در حقیقت تهدیداتی از این جنس به یک مکان و یا دولت خاص محدود نخواهد ماند بلکه تبعات آن ظرفیت به خطر انداختن امنیت انسان در تمامی سطوح فروملی، ملی و جهانی را دارد. کشور ایران نه تنها از این قاعده جدا نیست چه‌بسا که موقعیت جغرافیایی و کنش‌های انسانی درون آن، موجب شده است طی دهه‌های گذشته همواره با تهدیدات محیط زیستی روبرو گردد. پهنه‌ی سرزمینی ایران به دلیل واقع شدن در کمربند خشک و نیمه‌خشک زمین و ساختار اکولوژیکی

¹ Environmental Security

² Biosphere

³ Climate Change

⁴ Global Warming

⁵ Biodiversity Loss

⁶ Desertification

⁷ Air Pollution

⁸ Land Subsidence

⁹ Drought

¹⁰ Water Crisis

منحصر به فردش، بیش از دیگر نواحی نسبت به تغییرات محیطی، حساس و آسیب‌پذیر می‌باشد به گونه‌ای که در سال‌های اخیر شاهد افزایش تخریب محیط زیست در گستره‌ی سرزمینی کشورمان هستیم. مطالعه‌ای که توسط موسسه جهانی اقتصاد و صلح انجام شده است، نشان می‌دهد که خاورمیانه و ایران به دلایل مختلف با تهدیدهای اکولوژیکی‌های زیادی درگیر هستند و حوادث زیست‌محیطی سال‌های گذشته به طور اتفاقی رخ نداده‌اند. در این مطالعه شاخص ETR^۱ یا تهدیدهای اکولوژیکی ثبت شده برای کشورهای مختلف نشان می‌دهد، ایران در بین ۲۰ کشور جهان با بیشترین خطرات اکولوژیکی قرار دارد (Institute for Economics & Peace, 2021). روندی فزاینده که منجر به بروز بحران‌های ناشی از تهدیدات زیست محیطی شده است. پیامدهای منبعث از این مخاطرات، طیف گسترده‌ای از بحران‌ها را شامل می‌شود که هریک به تنهایی می‌تواند امنیت ملی کشور را در ابعاد مختلف آن (نظامی، سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و جامعه‌ای) تحت‌تاثیر قرار دهد. در حقیقت استمرار چنین شرایطی طی سال‌های آتی، کشور را با مشکلات امنیتی محیط‌محور و زمان‌بر مواجه خواهد ساخت. به سبب اهمیت موضوع، غرض نهایی پژوهش حاضر، بررسی پیامدهای تهدیدات زیست محیطی و تاثیرات آن بر امنیت جامعه‌ای^۲ در ایران است. از همین‌رو برای نائل آمدن به هدف یاد شده، این پرسش اساسی را محور پژوهش قرار داده‌ایم که تهدیدات زیست محیطی چه تاثیری بر امنیت جامعه‌ای ایران برجای می‌گذارند؟ نوشتار حاضر در پاسخ به این سوال، به دنبال آزمون این فرضیه است که به نظر می‌رسد در ایران امروز، تهدیدات زیست محیطی و پیامدهای منبعث از آن همچون مساله مهاجرت، با به چالش کشیدن هویت افراد و گروه‌های اجتماعی، امنیت جامعه‌ای ایران را با مخاطره روبرو می‌سازد.

مبانی نظری پژوهش

گسترده‌ی تهدیدات زیست محیطی در جای جای پهنه‌ی سرزمینی کشور، بحران‌های محیط زیستی و پیامدهای ناشی از آن‌ها را به یک چالش مناقشه‌برانگیز تبدیل نموده است. روندهای موجود نشان می‌دهد که مخاطرات یادشده پیامدهایی همچون فقر، بروز تنش و درگیری، تغییر سبک زندگی، مهاجرت و... را با خود به همراه دارند که برآیند آن ناامنی چشمگیر در سطح ملی و به خطر افتادن امنیت در ابعاد گوناگون آن است. از این‌رو به نظر می‌رسد که بهره‌مندی از مباحث نظری امنیت جامعه‌ای مد نظر مکتب کپنهاگ، می‌تواند

^۱ Ecological Threats Index

^۲ Societal Security

چارچوب تحلیلی مناسبی برای کاوش و آگاهی هرچه بیشتر مساله‌ی نوشتار باشد. در این راستا نظریه امنیت جامعه‌ای هویت‌محور^۱ و گزاره‌های مهم آن نیز به‌طور مختصر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

مکتب کپنهاگ^۲ به عنوان مکتبی که مرکز ثقل توجهات خود را بروی مطالعات امنیتی بنا نمود، از اولین رهیافت‌هایی است که عزم خود را جزم نمود تا جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی پی‌ریزی نماید (Abdullah Khani, 2004: 131). مکتب کپنهاگ و در رأس آن باری بوزان^۳ سهم عمده‌ای در تحول مفهوم امنیت داشته‌اند. از دیدگاه این مکتب، پس از دوران جنگ سرد مفهوم امنیت دچار دگردیسی شده و دیگر در چارچوب سنتی خود یعنی تاکید بر ابعاد نظامی، تعریف نمی‌شود. در دوره‌ی نوین، دامنه‌ی امنیت از بُعد نظامی به ابعاد پنج‌گانه نظامی، سیاسی، اقتصادی، جامعه‌ای و زیست محیطی گسترش یافته است (Buzan et al, 1998). تاکید مکتب کپنهاگ بر هنجارها، هویت و امنیت جامعه‌ای، این مکتب را واجد نوعی هستی-شناسی سازه‌انگارانه کرده است. نکته‌ی مهم در این تاکید، برداشت و درک از تهدید بر مبنای هویت و هنجارهای مشترک است. بر این اساس، امنیت فقط در چارچوب‌های عینی و جدا از ذهن افراد درک نمی‌شود و ارتباطات انسانی و هنجارها، مهم و تاثیرگذارند و در نتیجه، مساله‌ی هنجاری، منجر به ارتباط دوسویه‌ی امنیت و هویت می‌شود. (Tabatabai & Fathi, 2014: 34). آل ویور^۴ از دیگر صاحب‌نظران این مکتب، در یکی از آثار خود به نام هویت، مهاجرت و دستورالعمل نوین امنیت در اروپا به دنبال توسعه‌ی مفهوم امنیت اجتماعی بود (Larsson & Rhinard, 2020: 24) و تلاش نمود با برخورداری از همین چارچوب سازه‌انگاری و توجه به مسائل هویتی، فرهنگی و مهاجرت و نقش آنان در رابطه با امنیت، تا حد زیادی به تحولات نوظهور و چالش‌های امنیتی- اجتماعی بپردازد. (Karami, 2017: 39).

تعبیر هویت‌بنیاد از امنیت جامعه‌ای مشهورترین نظریه در حوزه مطالعات امنیت جامعه‌ای است که حداکثر دو دهه از عمر آن می‌گذرد. اولین بار در سال ۱۹۹۱ بود که بوزان در کتاب کلاسیک خود از انواع مختلف تهدیدات از جمله تهدید جامعه‌ای^۵ سخن گفت (Buzan, 2010: 147). پس از آن نیز آل ویور، در پژوهشی به نام «مفهوم امنیت جامعه‌ای» به طور مبسوط به آن پرداخت و برای اولین بار هویت را در حد یک موضوع امنیتی ارتقاء داد. لکن آنچه که در خصوص امنیت جامعه‌ای محل اختلاف است، تعریف و معنای آن است. از نگاه بوزان امنیت جامعه‌ای به قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت، با شرایط قابل قبولی از دگرگونی مربوط است. بوزان و همکارانش معتقدند، هر جامعه‌ای، بسته به بافتار هویتی خویش،

¹ Identity Based

² Copenhagen School

³ Barry Buzan

⁴ Ole Waever

⁵ Societal Threat

آسیب‌پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی ویژه خود را دارد. اگر هویت جامعه‌ای بر جدا بودن یا تنها بودن پایه گرفته باشد، حتی اضافه شدن جمعیت بسیار کوچک از بیگانگان را هم مشکل (امنیتی) خواهد انگاشت (Nasri, 2011: 96-110). بنابراین زمانی می‌توان از «استقرار امنیت جامعه‌ای سخن راند که گروه‌های موجود در جامعه برای حفظ هویت خویش از هرگونه آسیبی مصون بوده و بتوانند به روابط همکاری خود با سایر گروه‌ها ادامه دهند.» (Abbaszadeh, 2010: 92). از همین رو می‌توان گفت که جوامع دارای هویت مجزا و مستقل هستند و می‌بایست به عنوان یک واقعیت به آن‌ها نگریست.

در حقیقت باید گفت جامعه بر اساس هویت، یعنی درک و برداشتی که اجتماعات و افراد از خود و از همبستگی خود دارند، تشکیل می‌شود. مفهوم کلیدی امنیت در جامعه، هویت است و هرگاه یک حرکت عمدی عینی یا فرایند ذهنی و احتمالی آن هویت را تهدید کند و اعضای آن گروه، حرکت یا فرایند مذکور را تهدیدی بر بقای خود بشمارند، ناامنی جامعه‌ای رخ می‌دهد. بر اساس تحقیقات اصحاب مکتب کپنهاگ که همگی هویت را موضوع مرکزی امنیت جامعه‌ای می‌شمارند، تهدید بر ضد هویت به شدت ذهنی و آمیخته با برداشت‌های شخصی و گروهی است (Nasri, 2011: 97). در واقع تهدید جامعه‌ای به هویت و ارزش‌های مورد احترام مربوط می‌شود و طی آن "ما" بی یک هویت توسط هویت دیگر مورد حمله واقع می‌گردد. این قبیل تهدیدات عموماً در محدوده‌ی داخل کشور اتفاق می‌افتد. موج فزاینده مهاجرت‌ها و ارتباطات باعث تلقی تهدید اجتماعی، به مثابه تهدید سیاسی شده است.» (Nasri, 2002: 43) به نظر ویور و همکارانش، مولفه‌های امنیت جامعه‌ای به گونه‌ای می‌باشند که همگی مقوله مرکزی امنیت جامعه‌ای، یعنی هویت را متأثر می‌سازند. از نگاه آنان امنیت جامعه‌ای چهار دستور کار دارد که عبارتند از:

الف) مهاجرت: اگر تعداد چشمگیری از جمعیت یک منطقه به منطقه‌ای دیگر سرازیر شوند ساکنان اولیه آن منطقه هویت خود را در شرف زوال می‌بینند، زیرا مهاجران جدید، سبک زندگی و مولفه‌های هویتی متفاوتی دارند.

ب) رقابت افقی: این رقابت به وضعیتی اشاره دارد که طی آن دارندگان یک هویت خاص به روال عادی زندگی می‌کنند، اما یک هویت دیگر با شدت و گستردگی زیادی در حال رشد است. در این حالت هویت در معرض تهدید، روش‌های خود را به صورتی تدریجی با هویت مهاجم همسو می‌سازد.

ج) رقابت عمودی: رقابت مذکور بیشتر به نوعی معارضة و منازعه شباهت دارد. طی این رقابت، حکومت مرکزی یک سیاست متمرکز و ادغام‌گرا را اعمال و درصدد انکار و ادغام هویت‌های متفاوت است. در قبال حرکت‌های یکسان‌سازانه، اگر هویت‌های خاص راه مقابله را برگزینند، رقابت عمودی شکل می‌گیرد.

د) کاهش جمعیت: کاهش جمعیت می‌تواند دلیل طبیعی (مانند بیماری فراگیر، سیل و زلزله) و یا عمدی (سیاست ریشه‌کنی جمعیت، کوچاندن اجباری) داشته باشد. اگر کاهش جمعیت به فروپاشی اجتماعی منتهی شود، آن‌گاه می‌توان از ناامنی جامعه‌ای سخن گفت. (Nasri, 2011: 97-98).

در مجموع می‌توان گفت که نظریه‌های هویت محور در مبحث امنیت جامعه‌ای در پی گسترش مهاجرت ظهور کرده‌اند. از این‌رو نظریه‌ای کلی و جهان‌شمول نیستند که بتوان تمام تحولات گروه‌ها را با استناد به آن‌ها تبیین نمود. با این وجود به نظر می‌رسد رویکرد تخصصی این مکتب در تجزیه و تحلیل پنداره امنیت و نگاه ویژه آن به مفهوم امنیت جامعه‌ای و زیست محیطی و همچنین تاکید بر پنداره‌هایی همچون مهاجرت و هویت، این رهیافت را به گزینه‌ای مناسب برای واکاوی تاثیر تهدیدات زیست محیطی بر امنیت جامعه‌ای تبدیل نموده است.

پیشینه‌شناسی پژوهش

واکاوی ادبیات پژوهش در خصوص موضوع نوشتار حاضر آشکار می‌سازد که می‌توان پژوهش‌های انجام شده در این عرصه را در دسته‌بندی‌های زیر از یکدیگر تمیز داد. شمار بسیاری از منابع به بررسی محیط زیست و تهدیدات منبعث از آن پرداخته‌اند که اگر بخواهیم برخی از آن‌ها را نام ببریم باید به نوشتار لیمین وائنگ و همکاران (۲۰۲۳)، تحت عنوان «آلودگی صورت جهانی: تهدیدهای محیط‌زیست و حیات‌وحش و راه‌حل‌های بالقوه»، پژوهشی به کوشش مارتین ولف و همکاران (۲۰۲۲)، با نام «چشم‌انداز جهانی زمین» و همچنین کتابی به قلم افروز (۲۰۱۸) با عنوان «کتاب محیط زیست و سازمان سبز» اشاره کرد.^۱ پاره‌ای دیگر از پژوهش‌ها به مبحث امنیت و بُعد جامعه‌ای آن توجه کرده‌اند که از آن جمله می‌بایست از اثری ارزشمند با نام «هویت، مهاجرت و دستورالعمل نوین امنیت در اروپا» نوشته آل ویور به همراه تنی چند از همکاران (۱۹۹۳)، مقاله‌ای تحت عنوان «امنیت دولتی، امنیت اجتماعی و امنیت انسانی» اثر حسن هاما (۲۰۱۷)، پژوهشی با نام «مقایسه و مفهوم‌سازی امنیت جامعه‌ای شمال اروپا» به قلم مشترک لارسون و راینارد (۲۰۲۰) و همچنین کتاب «امنیت جامعه‌ای: معنا، مولفه‌ها و نظریه‌ها» به قلم نصری (۲۰۱۱)، نام برد. در پایان نیز باید به آن دسته از منابعی که تهدیدات زیست محیطی و امنیت جامعه‌ای در ایران را به عنوان مساله‌ی پژوهش خود قرار داده‌اند، اشاره نمود که در این میان می‌توان از پژوهش مشترک حسینی و همکاران (۲۰۱۵) تحت عنوان «بحران‌های زیست محیطی و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن (مطالعه موردی؛ ریزگردهای دریاچه ارومیه)»،

¹ See also: United Nations Convention to Combat Desertification, 2022, The Global Land Outlook, second edition. UNCCD, Bonn.

مقاله‌ای نوشته‌ی بینائیان و همکاران (۲۰۱۸) با نام، «ارزیابی امنیت اجتماعی آب در دهستان‌های شهرستان کرمانشاه» و همچنین نوشتاری با عنوان «بررسی وضعیت شاخص‌های زیست محیطی ایران از منظر جامعه شناختی» که توسط عرب‌پور (۲۰۲۳) به نگارش درآمده، نام برد.

با وجود ارزنده بودن مطالعات صورت گرفته، کاوش در ادبیات موضوع نشان از کم فروغ بودن مساله‌ی حاضر با توجه به اهمیت بسزای آن، در میان جستارهای علمی دارد. همچنین باید گفت شمار زیادی از منابع علمی موجود به بررسی مسائل زیست محیطی و و تاثیر آن بر امنیت ملی پرداخته‌اند و پژوهش‌های اندکی هستند که مساله‌ی تهدیدات زیست محیطی و امنیت جامعه‌ای در ایران را به‌عنوان پژوهشی مستقل انتخاب نموده‌اند. در مجموع و با عنایت به اهمیت و حیاتی بودن موضوع و روند فزاینده‌ی آن در گستره‌ی جغرافیایی ایران، پژوهش حاضر تلاش دارد تا ابعاد این مساله را مورد واکاوی قرار دهد.

تهدیدات زیست محیطی در ایران امروز

طی دو قرن و نیم اخیر که صنعتی شدن بر کیفیت و کمیت زندگی بشر افزوده است، به طور فزاینده‌ای به مخاطرات زیست محیطی در همه نقاط جهان نیز دامن زده است. توسعه فناوری، گسترش ابزارهای صنعتی، رشد روزافزون جمعیت به همراه تلاش گسترده برای تامین نیازمندی‌ها، فرسایش و نابودی محیط زیست را در قالب تخریب عناصر و سازندگان زیست‌کره به دنبال داشته که نتیجه آن در شکل بحران و ناامنی جهانی بازنمود گشته است (kia, 2021: 34). بسیاری از تهدیدات مطرح علیه جوامع بشری از مسائل زیست محیطی سرچشمه می‌گیرند. در برخی پژوهش‌ها پیرامون پاندمی کرونا، این معضل بشری به مداخلات بشری در محیط زیست نسبت داده شده است (Ghezelsoufa, 2020: 18). در واقع تخریب محیط زیست ممکن است بنیادی‌ترین جنبه‌های امنیت یک ملت را از طریق فرسایش سامانه‌های پشتیبانی کننده طبیعی که همه فعالیت‌های بشری به آن وابسته است، در معرض خطر قرار دهد (Finger, 1991:220).

نگرانی از تخریب محیط زیست و چالش‌های اجتماعی ناشی از آن یکی از دل مشغولی‌های جوامع انسانی در دوره معاصر است. زمین، آب، هوا و انسان بازوهای به هم پیوسته‌ی حیات هستند که می‌باید در تعادل نگه داشته شوند. برهم خوردن این هارمونی، تمام چارچوب فلسفه زندگی روی زمین را برهم می‌زند. بحران محیط زیست که امروزه به یک مساله قابل تأمل بدل شده، حاصل بهره‌وری نامعقول انسان از طبیعت پیرامون خود است. (Vaezmadani, 2017: 50). «طی چند دهه گذشته، افزایش جمعیت، گسترش مداخلات بشر در طبیعت برای تامین نیازهای فزاینده از منابع کمیاب، گسترش رویکرد سودانگاری، بی‌پروایی نسبت به پایداری محیط زیست در ساخت سازه‌ها و زیرساخت‌ها و مانند آن، پیامدهای ناگواری همانند گرمایش کروی، ویرانی لایه ازن، طوفان‌های سهمگین، بالا آمدن سطح آب دریاها، گسترش گازهای گلخانه‌ای،

خشکسالی، سیل، فرونشست زمین، کاهش آب شیرین، بیابان‌زایی، کاهش خاک مرغوب، آلودگی هوا، باران‌های اسیدی، جنگل‌زدایی و نابودی تنوع زیستی» (Kavianirad, 2011: 116)، به همراه داشته است که از جمله نشانه‌های دست‌اندازی بشر در نظام طبیعت به‌شمار می‌آید. گستردگی و اهمیت این مساله، توجه بسیاری از صاحب‌نظران را برانگیخته است. حال برای جلوگیری از نابودی کامل محیط زیست، همه تصمیم‌گیرندگان در ابعاد جهانی، ملی و به خصوص در سطح محلی باید این واقعیت مهم را دریابند.

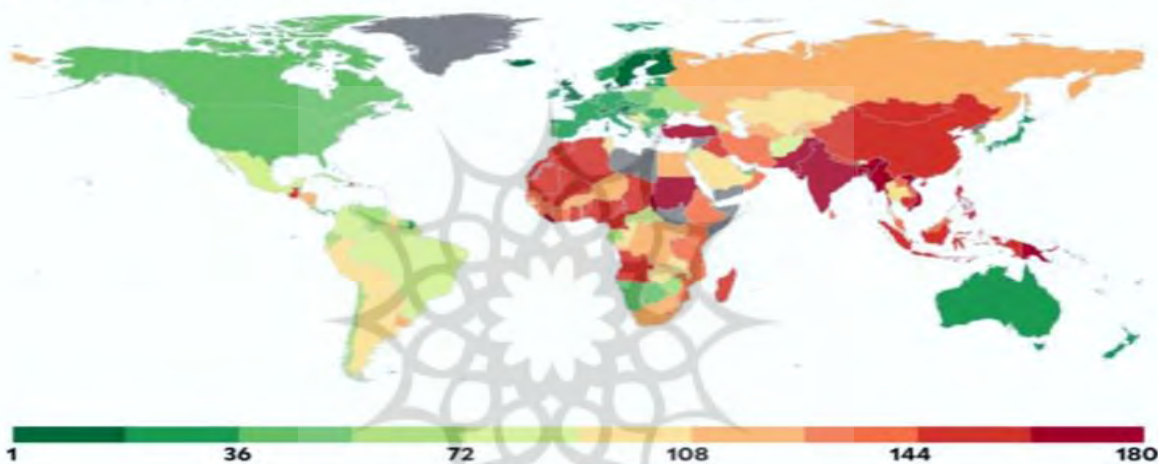
در زمینه‌ی بحران‌های زیست محیطی، کشور ایران از پیامدهای یادشده، به دور نمانده بلکه جلودار تخریب محیط زیست است. شدت تخریب محیط زیست در ایران به حدی است که دیگر نمی‌توان بر آن سرپوش نهاد، به گونه‌ای که مقوله امنیت با تخریب محیط زیست هم‌زاد شده است (Jajarmi et al, 2013: 195). در واقع این تهدیدات ناشی از تولید فزاینده و رشد صنعت به نابودی منابع محیطی ایران دامن زده است که این امر کشور را با بحران‌های افسارگسیخته‌ای روبرو ساخته است. کشور ایران به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش، همواره در معرض بلایای طبیعی همچون سیل، زلزله و خشکسالی بوده است، به گونه‌ای که از ۴۰ بلای اتفاق افتاده در جهان، ۳۱ مورد آن در ایران رخ می‌دهد. از این‌رو کشور ما در فهرست ۱۰ کشور نخستینِ بلاخیز جهان قرار دارد (Arayesh, 2017: 136). به عنوان شاهد مثال، ایران جزء ده کشور اول جهان در آلودگی هوا به‌شمار می‌آید و در مسائلی همچون فرونشست زمین، نابودی تالاب‌ها و بیابان‌زایی، غالباً در شمار ده کشور نخست جهان جای دارد. (Kavianirad, 2010: 35). این امر موید این است که وقوع بلایای طبیعی که همواره مخاطره‌آمیز بوده‌اند در کنار بروز بحران‌های فاجعه‌آمیز از دل تهدیدات زیست محیطی در جغرافیای ایران، نیازمند توجه تصمیم‌سازان این حوزه است.

در چند دهه اخیر، کنش انسانی و کم‌توجهی به ارزیابی زیست محیطی طرح‌ها، فزاینده‌ی دامن تخریب محیط زیست کشور را در پی داشته است. نگاهی اجمالی به این روند، نشان می‌دهد کارنامه درخشانی در این عرصه وجود ندارد. تداوم تشدید تخریب محیط زیست کشور، چنان نتایج زیان‌بار و دیرپایی به دنبال داشته که گاه به‌سازی آن‌ها، اگر نه ناممکن که بسیار پرهزینه و زمان‌بر خواهد بود، به طوری که در حال حاضر شایسته عنوان بحران زیست محیطی هستیم. (Kavianirad, 2010: 35-43). در خصوص اثبات مطالب پیش‌گفته، هیچ شاهد مثالی بهتر از گزارش‌های موجود در زمینه شاخص عملکرد محیط زیست^۱ وجود ندارد که تشریح‌کننده وضعیت پریشان حال محیط زیست در ایران باشد. گزارش شاخص عملکرد محیط زیست در

^۱ شاخص عملکرد زیست محیطی (EPI) به‌عنوان جامع‌ترین تجزیه و تحلیل زیست محیطی، بر اساس ۴۰ شاخص در ۱۱ گروه و در ذیل سه شاخص کلان تغییرات اقلیمی، بهداشت محیط زیست و حیات اکوسیستم، عملکرد زیست محیطی کشورهای جهان را ارزیابی می‌نماید. از جمله مهم‌ترین این شاخص‌ها باید به تغییرات آب و هوایی، آلودگی هوا، آب آشامیدنی سالم، مدیریت پسماند، فلزات سنگین، باران اسیدی، کشاورزی، منابع آبی و... اشاره کرد.

میان کشورهای جهان که هر دو سال منتشر می‌شود، نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۶، ایران در میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در رتبه ۵۳ جای گرفته است. این جایگاه در سال ۲۰۰۸ با ۱۵ رتبه کاهش به مقام ۶۷ رسید. در سال ۲۰۱۰ رتبه عملکرد ایران باز هم با ۱۰ پله نزول به رتبه ۷۸ تنزل یافت. روند نزولی جایگاه ایران ادامه‌دار بود به طوری که در سال ۲۰۱۲ رتبه ایران به ۱۱۴ رسید. در این میان اما طی سال‌های ۲۰۱۸ و ۲۰۲۰ جایگاه ایران به ترتیب ۸۰ و ۶۷ بوده است لکن این روند مقطعی بود و در سال ۲۰۲۲ به رتبه ۱۳۳ ختم شده است. (Environmental Performance Index, 2022). شکل و جدول زیر روند شاخص عملکرد محیط زیست در ایران را به وضوح نشان می‌دهد.

Map 2-1. Rankings in the 2022 Environmental Performance Index for 180 countries.



ردیف	سال	تعداد	نقشه ۱: شاخص عملکرد محیط زیست ایران در سال ۲۰۲۲	ب
۱	۲۰۰۶	۱۳۳	Source: Environmental Performance Index, 2022	۵۳
۲	۲۰۰۸	۱۴۹	۲۵	۶۷
۳	۲۰۱۰	۱۶۳	۲۵	۷۸
۴	۲۰۱۲	۱۳۲	۲۲	۱۱۴
۵	۲۰۱۴	۱۷۸	۲۰	۸۳
۶	۲۰۱۶	۱۸۰	۲۰	۱۰۵
۷	۲۰۱۸	۱۸۰	۲۴	۸۰
۸	۲۰۲۰	۱۸۰	۳۲	۶۷
۹	۲۰۲۲	۱۸۰	۴۰	۱۳۳

جدول ۱: شاخص عملکرد محیط زیست ایران طی بازه زمانی ۲۰۰۶-۲۰۲۲

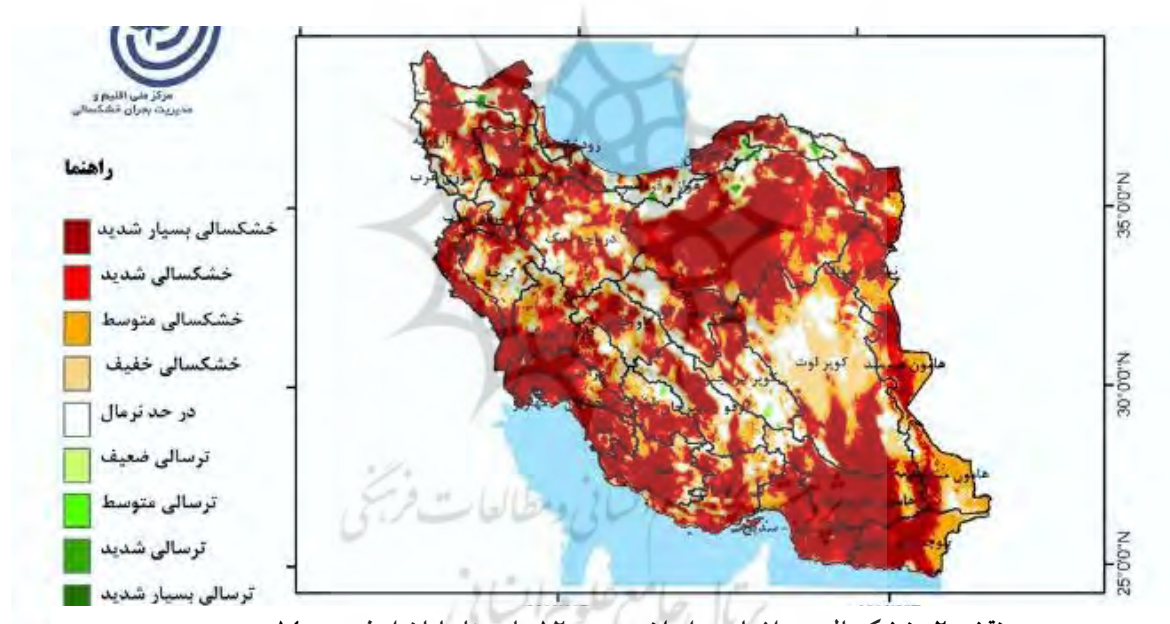
واکاوی داده‌های فوق نشان از عدم توفیق سیاست‌های زیست محیطی در ایران طی سال‌های گذشته دارد، تا جایی که وضعیت محیط زیست به گونه‌ای رقم خورد که کشور با برخی از بحران‌های زیست محیطی همچون تغییر اقلیم، آلودگی هوا، فرونشست زمین، ریزگردها، خشکسالی و بحران آب دست و پنجه نرم می‌کند. از آن‌جا که بررسی تمامی تهدیدات زیست محیطی مبتلابه ایران، پژوهش مفصل و مستقلی را می‌طلبد، نوشتار حاضر با هدف شناخت بهتر مساله پژوهش، یکی از مهم‌ترین تهدیدات زیست محیطی در ایران معاصر یعنی پدیده خشکسالی که منشاء بسیاری از مهاجرت‌ها در ایران است را مورد کاوش قرار خواهد داد تا ابعاد موضوع روشن گردد.

خشکسالی در ایران امروز

خشکسالی به مثابه‌ی یک تهدید زیست محیطی، برخلاف پاره‌ای از مخاطرات طبیعی همچون سیل و زلزله که ناحیه‌ای محدود را تهدید می‌نمایند، عمدتاً نواحی گسترده‌تری را درگیر می‌کند و از منظر فراوانی وقوع آن نسبت به سایر بلایای طبیعی اولویت داشته و مخاطره‌آمیزتر است. «در طول سیصد سال گذشته بروز خشکسالی‌های شدید و مستمر در دوره‌های زمانی مختلف بسیاری از نقاط کره زمین را مورد تهدید قرار داده و موجب ویرانی شده است. در حقیقت می‌توان گفت که این پدیده طی نیمه دوم قرن بیستم نمود بیشتری یافته است.» (Profile of the Geographical Organization of the Armed Forces, 2021: 4). حال اگر بخواهیم تعریفی از این پدیده ارائه دهیم باید بگوئیم؛ خشکسالی حاصل انحراف موقتی از توزیع نرمال اقلیمی یک ناحیه بوده و با خشکی متفاوت است. به عبارت دیگر، خشکی به مناطق کم بارانی محدود می‌شود که دارای یک شکل اقلیمی باشند. از دیدگاه هواشناسی، خشکسالی عبارت است از بارش به میزان کم‌تر از متوسط سالانه و توزیع ناموزون آن در منطقه. خشکسالی از منظر اکولوژیکی و کشاورزی، به ناکافی بودن رطوبت برای رشد محصول اطلاق می‌شود. (Khosravipour, 2018: 80-81). در واقع افزایش دما و تغییرپذیری بیشتر در بارندگی باعث افزایش فراوانی، گستردگی، مدت و شدت خشکسالی‌ها و گسترش مناطقی می‌شود که با کمبود آب مواجه می‌شوند (The Global Land Outlook, 2022:7).

ماهیت غیرساختاری و پیچیدگی الگوهای مشاهده شده، خشکسالی را به یک پدیده منحصر به فرد تبدیل کرده که امکان جلوگیری از آن در هیچ ناحیه و شرایطی وجود ندارد. خشکسالی پدیده‌ای است که در هر منطقه و کشوری، چه دارای آب و هوای خشک باشد و چه مرطوب، رخ می‌دهد. در سراسر جهان، تخمین زده می‌شود که سالانه ۵۵ میلیون نفر مستقیماً تحت تأثیر خشکسالی قرار می‌گیرند که بیشتر خسارت‌ها در کشورهای کم‌درآمد رخ می‌دهد (FAO, 2021). پژوهشی در این خصوص به خوبی نشان می‌دهد که تغییرات آب و هوایی و فعالیت‌های انسانی، بروز دوره‌های خشکسالی را در نواحی مختلف کشور چین

تشدید کرده است. افزایش سریع تقاضا برای آب و کاهش منابع آبی، معضل خشکسالی را فراگیر و توسعه پایدار اجتماعی و اقتصادی را با چالش جدی مواجه نموده است (Wang et al, 2019: 1327). همان‌طور که بیان شد وقوع خشکسالی، مختص یک ناحیه‌ی خاص نیست و هیچ منطقه‌ی آب و هوایی از گزند این تهدید در امان نیست لیکن در نواحی خشک و نیمه خشک همچون ایران، این بحران اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند. «کشور ایران به دلیل موقعیت خاص آب و هوایی و شرایط نامساعد طبیعی، همواره با خشکسالی روبرو بوده است. طی قرن‌ها، روستائیان و کشاورزان ایرانی به دنبال یافتن راه‌های متنوعی برای کاهش آثار این مشکل و مقابله با آن بوده‌اند. ایران تا به حال بارها خشکسالی را تجربه کرده است و با توجه به شرایط اقلیمی، ویژگی‌های هیدرولوژیکی^۱ و هواشناسی، می‌توان گفت که وقوع خشکسالی از ویژگی‌های اصلی کشور به شمار می‌آید (Arayesh, 2017: 149) که نمایی از آن را می‌توان در شکل ذیل مشاهده نمود.



نقشه ۲: خشکسالی هواشناسی ایران دوره ۱۲۰ ماهه تا پایان اسفند ۱۴۰۰

منبع: سازمان هواشناسی کشور

بر اساس پاره‌ای از برآوردها، حدود هفتاد درصد خسارت‌های وارد شده به کشور بر اثر بلایای طبیعی، مربوط به سیل و خشکسالی است. دورنمای وضعیت خشکسالی ایران طی ۳۰ سال آینده نشان می‌دهد که این معضل رو به افزایش خواهد بود. شواهد نشان می‌دهد که در سال‌های ۲۰۲۵، ۲۰۳۲، ۲۰۳۵، و ۲۰۳۹

¹ Hydrological

بیشتر نقاط کشور با خشکسالی شدید روبرو خواهد شد. (Arayesh, 2017: 137). در حقیقت باید گفت یافته‌های پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد که شاخص خشکسالی در ایران مرکزی، به صورت منفی رو به افزایش است و با توجه به تغییرات اقلیمی، این روند خشکی در سال‌های آینده نیز می‌تواند ادامه یابد. همچنین بر اساس نتایج حاصل در بیش از ۵۰ درصد ایستگاه‌های مورد مطالعه منفی بود که حاکی از افزایش خشکسالی‌ها طی ۵۰ سال اخیر در ایران مرکزی است (Khosravipour, 2018: 85).

خشکسالی دارای عواقب خاصی است و بروز آن تأثیرات زیادی بر استانداردهای اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی به همراه دارد. اثرات مستقیم خشکسالی طیف وسیعی مانند کاهش سطوح آب، افزایش مخاطرات آتش‌سوزی، افزایش نرخ مرگ و میر دام‌های اهلی و حیات وحش را در پی دارد (Profile of the Geographical Organization of the Armed Forces, 2021: 4). همچنین تأثیرهای مستقیم خشکسالی بر کشاورزی به صورت کاهش تولید مواد غذایی به دلیل کاهش سطح زیرکشت نمود پیدا می‌کند؛ که در نتیجه‌ی آن، قیمت مواد غذایی افزایش می‌یابد و موجب کاهش دسترسی به آن می‌شود. همچنین، وقوع خشکسالی منجر به ایجاد تغییرات اساسی در اقتصاد خانوار نیز می‌شود. بر این اساس می‌توان استنباط کرد که خشکسالی تهدید بزرگی برای خانوارها و جوامعی است که برای امرار معاش به بخش کشاورزی وابسته‌اند (Campbell et al, 2011: 146). به بیان بهتر خشکسالی و کمبود آب، فرصت‌های معیشتی را برای خانواده‌ها و جوامع آن‌ها کاهش می‌دهد و منجر به مهاجرت، درگیری و حتی کار کودکان می‌شود. (UNICEF, 2021:3) علاوه بر این موارد، افزایش فشارهای روحی و بیماری‌های روانی، کاهش فرصت‌های شغلی، افزایش بهای مواد غذایی، افزایش تورم، خشک شدن منابع آب و رقابت برای دستیابی به آن، مهاجرت و هزینه‌های اجتماعی ناشی از آن، از آثار زیان‌بار و غیرمستقیم خشکسالی می‌باشند (Razmavar, 2021: 3).

طی دهه‌های اخیر تخریب محیط زیست در شکل کاهش آب و خشکسالی یا به تخلیه کامل مناطق روستایی (خالی شدن مناطق روستایی از جمعیت) و یا چرخش (زندگی در روستا و کار در منطقه دیگر) منجر شده است. (Mahmoudian & Mahmoudiani, 2018: 46). بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود ۷۵۰۰ نقطه روستایی جمعیتی کشور طی ۲۰ سال (۶۵ تا ۸۵) عمدتاً به دنبال خشکسالی و کم آبی از سکنه خالی شده است. خشکسالی در مناطق خشک کشور به دلیل وابستگی عمیق جمعیت به دو مقوله آب و زمین، تأثیرات عمیق اقتصادی برجای گذاشته است. مهاجرت‌های شکل گرفته همراه با تداوم خشکسالی‌های آینده می‌تواند زمینه را برای رهاسازی و خالی از سکنه شدن بسیاری از مناطق کشور فراهم کند (Seyed Akhlaghi. & Taleshi, 2018: 62) که این مساله تبعات قابل توجهی برای امنیت جامعه در پی خواهد داشت. برآیند آن‌چه که از نظر گذرانیم، بر ما آشکار می‌سازد که طی سال‌های اخیر تهدیدات زیست محیطی همچون خشکسالی، بحران

آب و پیامدهای منبعث از آن‌ها، موجبات شکنندگی انسجام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی در کشور را فراهم آورده‌اند. از همین‌رو در بخش پیش‌رو، مشکله‌ی مهاجرت به مثابه‌ی یکی از اصلی‌ترین پیامدهای تهدیدات زیست محیطی در ایران که امنیت جامعه‌ای کشور را تحت‌تاثیر قرار داده است مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

مهاجرت‌های زیست محیطی در ایران امروز

بشر همواره در طول تاریخ به سبب وقوع عواملی چون جنگ، خشونت، سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولت‌ها و... تصمیم به ترک محل زندگی خود نموده است. لکن امروزه می‌توان دلایل دیگری را برای این کنش انسانی جست. «یکی از مهم‌ترین این عوامل، تغییرات زیست محیطی است که روزانه زندگی شمار زیادی از انسان‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طی این مدت، بیش از پیش شاهد مشکلات زیستی چون تبدیل شدن زمین‌های حاصل‌خیز به بیابان، سیلاب ناشی از کمبود یا بیش از حد بارش، آتشفشان، طوفان، زلزله و... بوده-ایم که منجر به کوچ ساکنین این مناطق و ظهور پناه‌جویان زیست محیطی شده است.» (Khorsandi & Jalalian, 2022: 93).

یکی از مشکلات اساسی در زمینه‌ی پناهندگان یا مهاجران زیست محیطی، مشکل در تخمین تعداد آن‌ها در سطح جهان است. دلیل این امر نیز پیچیدگی ذاتی عواملی است که تصمیمات مهاجرت را توضیح می‌دهد، همچنین علت دیگر آن این است که تا همین اواخر، هیچ تعریفی از اینکه چه چیزی منجر به مهاجرت زیست محیطی می‌شود، وجود نداشت (Renaud and Wirkus, 2012: 40). در این میان اما سازمان بین‌المللی مهاجرت این تعریف را ارائه کرده است: «مهاجران محیط زیست به افراد یا گروه‌هایی گفته می‌شود که به دلایل قانع‌کننده تغییرات ناگهانی یا پیشرونده در محیط که بر زندگی یا شرایط زندگی آن‌ها تأثیر منفی می‌گذارد، مجبور به ترک خانه‌های خود هستند. کسانی که به طور موقت یا دائم در داخل کشور یا به خارج از آن نقل مکان می‌کنند (IOM, 2007: 1). با اندکی تأمل می‌توان گونه‌های متفاوتی از این نوع مهاجرت را از هم تمیز داد که در ذیل به برخی از آن‌ها پرداخته می‌شود.

مهاجران اضطراری زیست محیطی: این‌ها افرادی هستند که از بدترین تأثیرات زیست محیطی به طور موقت فرار می‌کنند. به عنوان مثال می‌توان به فرار مردم از سیل، سونامی یا طوفان اشاره کرد.

مهاجران اجباری زیست محیطی: این‌ها افرادی هستند که برای جلوگیری از وخیم‌ترین و بدترین شرایط محیط زیستی، باید محل زندگی خود را ترک کنند. مثال‌های مرتبط با افزایش سطح دریا یا جوامعی که با از دست دادن فیزیکی زمین‌های خود مواجه می‌شوند.

مهاجران با/نگیزه زیست محیطی: این‌ها افرادی هستند که ممکن است یک محیط رو به وخامت را ترک کنند تا از بدترین‌ها جلوگیری کنند. مثال‌های مرتبط با کاهش مداوم کمیت یا کیفیت آب (Renaud and Wirkus, 2012: 41).

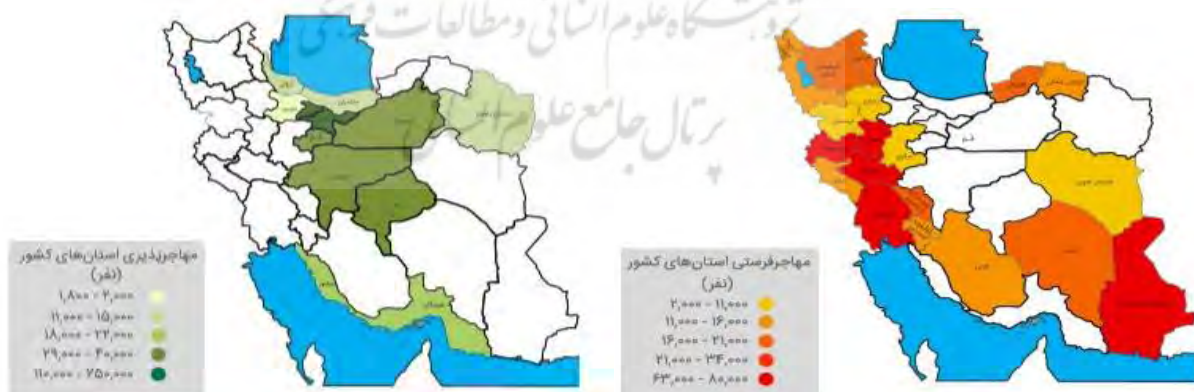
مهاجرت از یک مکان، شاخصی از فشار جمعیت بر منابع موجود آن منطقه است، در حقیقت مهاجرپذیری یک منطقه به قدرت منابع آن محدود می‌گردد. زیرا «جوامع برای کاهش منابع با هم رقابت می‌کنند. خانواده‌ها ممکن است مجبور شوند خانه‌های خود را در جستجوی منابع قابل اعتماد و فرصت‌های معیشتی ترک کنند و اغلب به مناطق شهری نقل مکان کنند.» (UNICEF, 2021:4) در حقیقت مهاجرت فعل و انفعالی از پراکندگی مجدد جمعیت است و در وری، شکل ظاهری آن یک ارتباط پر معنی بین جمعیت و پراکندگی منابع نهفته است. بر این اساس، مهاجرت مبنای فهم هر تغییر فضایی و وابستگی‌های فضایی هر سرزمین است. (Pirizadeh, 2019: 63). به عنوان شاهد مثال، «کمبود آب می‌تواند هم محرک و هم نتیجه‌ی مهاجرت باشد. کمبود آب یکی از دلایل اصلی مهاجرت است و تخمین زده می‌شود که در آینده نیز یکی از دلایل اصلی باقی بماند. وقتی منابع آب کمیاب باشد، رقابت می‌تواند تنش‌ها را افزایش داده و منجر به درگیری و مهاجرت شود.» (UNICEF, 2021:9) افزون بر این‌که، مهاجرت منجر به افزایش فشار بر منابع برای افزایش تولید می‌شود، باعث رقابت بین نیروی کار، تغییر ترکیب نژادی جمعیت ساکن، اثرگذاری بر فرهنگ مقصد، افزایش آلودگی زیست محیطی و... نیز می‌شود (Ghezelsofla et al, 2022: 201). از آن‌جا که کشور ایران به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش، کشوری خشک و نیمه خشک به شمار می‌آید و از منظر منابع آبی دچار تنگناهای اساسی است، تشدید بحران‌های محیطی می‌تواند همچون عاملی برای ظهور و گسترش مشکلات اجتماعی عدیده‌ای همچون مهاجرت‌های زیست محیطی عمل نماید.

مطالعات گسترده نشان می‌دهد که آسیب‌پذیری ایران از تهدیدات زیست محیطی، بیش از متوسط جهانی است. با تشدید تغییرات اقلیمی، مهاجرت برای یافتن مکانی امن برای زندگی و تامین معیشت پر رنگ‌تر می‌شود. همین امر بر الگوی جابه‌جایی‌های جمعیتی در داخل کشور اثرگذار بوده است. (Iran Migration Outlook, 2022: 490). در واقع تهدیدات زیست محیطی مانند تغییرات اقلیمی، آلودگی هوا، خشکی تالاب‌ها و دریاچه‌ها از ظرفیت بالایی برای ایجاد مهاجرت در کشور برخوردارند. «برای مثال پیش‌بینی می‌شود در صورت خشک شدن دریاچه ارومیه احتمال مهاجرت ۶ میلیون نفر از ساکنان مناطق اطراف دریاچه تا شعاع ۵۰۰ تا ۶۰۰ کیلومتری وجود دارد.» (Aliee, 2018: 69-70). در گذشته، مهاجرت از روستا به شهر عمدتاً انتخابی و به دلایل غیراکولوژیک، مانند کمبود زمین، تفاوت در کیفیت زندگی و سطح متفاوت توسعه بود اما تغییرات اقلیمی باعث شده تا مهاجرت از انتخاب به اجبار و تلاش برای حیات در شرایط خشکسالی و نبود

آب در روستاها تبدیل شود (ISNA website, 7 June, 2022). در چند سرشماری مختلف ۹۷ هزار و ۵۰۰ آبادی در کل کشور احصاء شده است که ۳۵ هزار عدد از این روستاها یعنی ۳۶ درصد آبادی‌ها خالی از سکنه شده‌اند. اگرچه مسائل اقتصادی در میزان و مکان مهاجرت مؤثر است اما داده‌های مکان‌محور سازمان آمار، نشان از تأثیر تغییرات اقلیمی بر مقصد مهاجرت دارد (Rafiee, 2022).

طبق آمارهای مرکز پایش و نظارت بر جابه‌جایی‌های داخلی^۱ در سال ۲۰۲۱ میلادی، ۴۱ هزار نفر در اثر بلایای طبیعی مانند سیل و گرد و غبار در داخل ایران آواره شده‌اند. در همین رابطه بررسی‌های مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که جابه‌جایی جمعیت در دهه اخیر، تا حدود زیادی با نقشه خشکسالی تطابق دارد و شهرهای مهاجرپذیر تنش آبی کمتری نسبت به شهرهای مهاجرفرست دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که الگوی مهاجرفرستی کشور از مناطق مرزی و اطراف کشور در نوارهای غرب، جنوب غرب، جنوب شرق و شمال شرق به سمت مناطق مرکزی و ساحلی ایران است. همچنین واکاوی داده‌های اقلیمی کشور در بلندمدت موید این است که استان‌های مهاجرفرست روند کاهشی بارش و روند افزایشی دما را داشته‌اند. (Iran Migration Outlook, 2022: 490-494).

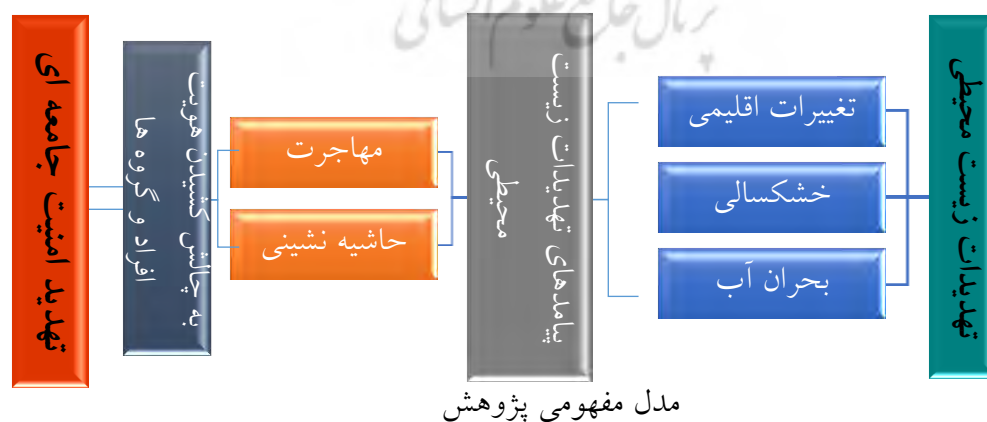
در حقیقت محرک اصلی جابه‌جایی و مهاجرت در استان‌هایی چون سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان جنوبی و همچنین خوزستان نابودی روستاها به دلایل تغییرات اقلیمی و به طور خاص خشکسالی است که زمینه بهره‌وری پایین کشاورزی و فقیر شدن جمعیت مبدأ را به همراه داشت. نتایج پیمایش گسترده وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه ایران نشان می‌دهد که در مجموع ۷۸.۷ درصد مردم خوزستان، نبود امکانات رفاهی را به عنوان یکی از دلایل اول تا سوم خود، و ۶۷.۳ درصد، مشکلات زیست محیطی و اقلیمی را به عنوان یکی از دلایل خود برای مهاجرت برشمرده‌اند. (Mehr website, 7 June, 2022).



¹ Internal Displacement Monitoring Center (IDMC)

بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، استان‌های خوزستان، لرستان، کرمانشاه، همدان و سیستان و بلوچستان با خالص مهاجرتی منفی مواجه بوده‌اند. چنانچه مشخص است اغلب استان‌های مهاجرفرست در کشور، جز مناطقی هستند که با کم آبی مواجه و سطح بارندگی آن‌ها نسبت به میانگین ۵۰ سال، تراز منفی داشته است. به عنوان نمونه استان خوزستان که با خالص مهاجرتی ۷۸ هزار ۳۶۱ نفر به عنوان نخستین استان با بیشترین نرخ مهاجرفرستی در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ بوده است، رتبه نخست آلودگی هوا، رتبه دوم حاشیه‌نشینی، رتبه دوم بیکاری، رتبه سوم جمعیت زیر خط فقر را دارد. به ویژه این‌که وضعیت اقلیمی این منطقه نیز در وضعیت نامطلوبی قرار دارد. خشک و کم آب شدن رودهای این استان، طوفان گرد و غبار، بالاترین دمای کشور، خشک شدن تالاب‌های شادگان و هورالعظیم از عوامل زیست محیطی تاثیرگذار بر مهاجرت از این استان هستند. نمونه‌ی دیگر نیز استان سیستان و بلوچستان است که با خالص مهاجرت منفی ۲۹ هزار و ۲۶۷ نفر در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ به عنوان پنجمین استان مهاجرفرست کشور شناخته می‌شود. این استان نیز درگیر معضلات ناشی از خشکسالی و تغییر اقلیم است. قطع شریان آب رودخانه هیرمند، خشکی تالاب هامون، کاهش بارندگی نسبت به میانگین دراز مدت، افزایش دما، تخلیه شدن منابع آب زیرزمینی و غیره بروز خشکسالی و مهاجرت ناشی از آن را در این استان مستعدتر نموده است (Iran Migration Outlook, 2022: 496).

همان‌طور که شرح آن رفت، طی دهه‌ی گذشته تهدیدات زیست محیطی همچون تغییرات اقلیمی، خشکسالی، بحران آب و... از جمله دلایل اساسی مهاجرت‌های زیست محیطی در داخل کشور به‌شمار می‌آیند. افراد و گروه‌هایی که با مهاجرت‌شان موجب وارد آمدن تبعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تمدنی بی‌شماری به جوامع مبدا و مقصد حرکت‌شان خواهند شد. پیامدهایی که ابعاد مختلف امنیت کشور به ویژه بعد جامعه‌ای آن را تحت‌تاثیر قرار خواهند داد. مسأله‌ای که در بخش پیش‌رو مورد کندوکاو قرار خواهد گرفت.



امنیت جامعه‌ای در سایه مهاجرت زیست محیطی

همان‌طور که در بخش‌های پیشین تشریح شد، تهدیدات زیست محیطی همچون تغییرات اقلیمی، خشکسالی و بحران آب در بسیاری از نواحی کشور به ویژه مناطق روستایی، یکی از عوامل مهم مهاجرت و جابه‌جایی جمعیت به شمار می‌آید. مهاجرت ناشی از مسائل زیست محیطی باعث پراکنش جمعیت و تمرکز بیشتر افراد در کلان‌شهرها و همچنین پدیده‌ی حاشیه‌نشینی می‌شود. مسأله‌ای که نه تنها باعث برهم خوردن تعادل منابع طبیعی و جمعیت در مناطق مهاجرپذیر می‌شود بلکه این نواحی را با مشکلاتی نظیر فقر، بیکاری، بزه‌کاری، آسیب‌های اجتماعی همچون بحران هویت و ... مواجه می‌کند. مشکله‌ای که گریبان‌گیر جامعه‌ی ایرانی است و دیگر نمی‌توان به راحتی از کنار آن گذر کرد.

حرکت مهاجران زیست محیطی در داخل کشور و اسکان در نواحی جدید موجب افزایش فشار بر منابع طبیعی می‌شود که این امر با خود تشدید رقابت بر سر این منابع را به همراه دارد. «تحقیقات روی پناهندگان نشان می‌دهد که تازه‌واردان و جمعیت‌های محلی می‌توانند بر سر منابع کمیاب با هم درگیر شوند. بنابراین منابع ناکافی می‌تواند باعث مهاجرت از یک مکان شده و سپس به منبع اختلاف در مکان دیگر تبدیل شود.» (Busby, 2017: 7) بررسی‌های جامعه‌شناختی نشان می‌دهد، عدم تناسب میان استعدادهای طبیعی شهرهای میزبان و گوناگونی قومی، زبانی و در یک کلام، وجود تفاوت‌های فرهنگی در میان مهاجران، دشواری‌های اجتماعی بسیاری را پدید آورده است. از یکسو، محیط زیست شهری دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری شده که از آن میان، می‌توان به کاهش منابع آب، خاک و آلودگی آن‌ها، آلودگی هوا و آلودگی صوتی اشاره داشت؛ و از سوی دیگر، ناسازگاری مهاجران با فضای شهرها، گسترش پدیده حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های اجتماعی و سایر تنگناهای شهری، ره‌آورد عدم تعادل و ارتباط میان رشد فیزیکی و ساختار اجتماعی شهر است (Pirizadeh, 2019: 65-66).

از منظر اجتماعی، استانداردهای زندگی برای افراد مهاجر به طور قابل توجهی کاهش می‌یابد. جمعیت‌های مهاجر می‌توانند به محرک بی‌ثباتی اجتماعی در شهرها تبدیل شوند. در کنار آسیب‌های محیطی، دوگانگی فرهنگی و گسترش انواع آسیب‌های اجتماعی از معضلات مهاجرت بدون برنامه‌ریزی است. (Iran Migration Outlook, 2022: 499). افراد مهاجر در ابتدای ورود به جامعه شهری باعث به وجود آمدن مشکلات اجتماعی می‌شوند. در ادامه و به علت عدم برخورداری از خدمات یکسان شهری عامل ایجاد معضلات فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و امنیتی هم هستند. عدم تناسب بین مهاجرین واقع در حاشیه شهر و جمعیت شهری باعث می‌شود که آنها دچار سرخوردگی و انحرافات اجتماعی شوند، بروز اختلالات رفتاری

و تنش‌های سیاسی نتیجه عدم پذیرش آن‌ها در جامعه شهری است که امنیت روانی و فیزیکی شهر در معرض خطر قرار می‌گیرد. (Pirizadeh, 2019: 98).

با تشدید موج مهاجرت‌های گسترده از مناطق روستایی به مناطق شهری، نیروهای اجتماعی و صورت‌بندی آن‌ها به شدت مختل شده و تغییر پیدا می‌کند. دگردیسی صورت‌بندی‌های اجتماعی، دارای پیامدهای انکارناپذیری است. (Karimi male, 2015: 111). مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به حاشیه شهرهای بزرگ، آن‌ها را تبدیل به مکان‌هایی خالی از سکنه کرده است، در نتیجه ساکنان این اماکن اکثراً دچار بحران هویت شده و تبدیل به بخش‌های نابسامان می‌شوند (Babae, 2019: 55). افزون بر این، در خصوص حاشیه‌نشینی و تبعات آن باید گفت بسیاری از تضادهای اجتماعی در محیط‌های حاشیه‌ای، در قالب «الگوهای بیگانه شدن» قرار دارد. بیگانگی زیست محیطی، شکل دیگری از الیناسیون است که افراد در محیط‌های حاشیه‌ای به آن دچار می‌شوند. این افراد قادر به انطباق^۱ و بیان احساسات خود^۲ نبوده و چنین وضعیتی، زمینه ضدیت با اقتدار^۳ و همچنین قیدگریزی شهروندان را فراهم می‌سازد. (Mossalanejad, 2008: 145). بحران هویت و از خودبیگانگی ناشی از مهاجرت و حاشیه‌نشینی، مسائلی مهم هستند که امنیت جامعه‌ای کشور را با مخاطره مواجه می‌کند.

کشور ایران از جمله کشورهایی است که از ناهمگونی شدید جمعیتی رنج می‌برد؛ به عبارت دیگر، سرزمین ایران در مقوله‌ی تنوع زبانی و قومی، توپوگرافی فرهنگی - هویتی پیچیده‌ای را به نمایش می‌گذارد. حضور افراد با فرهنگ‌های مختلف در یک منطقه، در صورت احساس هر نوع محرومیت نسبی، به خصوص محرومیت فرهنگی - هویتی در مقابل دیگران می‌تواند به شکل‌گیری شکاف‌های امنیتی در جامعه منجر شود. (Valigholizadeh, 2019: 171). بر اساس رویکرد هویت اجتماعی و محیط زیست‌گرایی، جابه‌جایی گسترده جمعیت در اثر فشار زیست محیطی باعث بروز منازعات مربوط به هویت گروهی^۴ به شکل برخوردهای قومی خواهد شد. وقتی تخریب محیط زیست، زندگی مردم را به مخاطره اندازد یا به کیفیت زندگی آنها لطمه‌ای جدی بزند، مردم منطقه خود را ترک می‌کنند و وارد محیط جدیدی می‌شوند که با نشانه‌ها و شاخص‌های آن بیگانه هستند. این امر نوع مشارکت آنان را تغییر خواهد داد و تضادهای فرهنگ در محیط جدید را افزایش می‌دهد. انسان‌های از خودبیگانه با محیط اجتماعی و فضای حاکم بر آن نیز بیگانه‌اند. از همین‌رو می‌توان مهاجران زیست محیطی را به عنوان دغدغه اساسی امنیت برای جامعه مورد توجه قرار داد. (Mossalanejad, 2008: 144).

¹ Adoption

² Self- Expression

³ Anti- Authoritarianism

⁴ Group Identity

مطالعات جامعه‌شناسان نشان می‌دهد هر نوع مهاجرت، پیوند افراد و گروه‌های اجتماعی - قومی را با هویت بومی آن‌ها کم‌رنگ و تضعیف می‌کند و در چنین موقعیتی، یافتن هویت جدید نیز به زمان زیادی نیاز دارد؛ به عبارت دیگر مهاجرت، گروه‌های قومی را دچار بحران هویتی می‌کند. این موضوع، در اکثر مراکز مهاجرپذیر و کلان شهرهای ایران موجب ضعف یا فقدان هم‌نوایی و در نهایت ایجاد مناظر ناهمگون شهری، بیکاری، میل به درون‌گرایی در میان گروه‌های اجتماعی متفاوت و چندبخشی شدن و ضعف هویت و حس تعلق مکانی در میان شهروندان و سپس عدم توسعه‌ی جامعه میزبان می‌شود (Valigholizadeh, 2019: 174). بحران هویت اجتماعی ناشی از مهاجرت و حاشیه‌نشینی که یکی از دلایل عمده آن را می‌توان به تهدیدات زیست محیطی نسبت داد، موجبات به خطر افتادن امنیت جامعه‌ای در ایران امروز و فردا را فراهم نموده است. تمامی مطالبی که شرح آن رفت، نشان‌دهنده‌ی این است که عنصر کلیدی امنیت جامعه‌ای در کشور که به عقیده‌ی اندیش‌ورزان مکتب کپنهاگ پنداره‌ی هویت است، تحت تاثیر مشکله‌ی مهاجرت و حاشیه‌نشینی به مثابه‌ی فرایند ذهنی و یک کنش عینی، مورد تهدید قرار می‌گیرد. هنگامی که مهاجران جدید با سبک زندگی و مولفه‌های هویتی متفاوت به یک منطقه سرازیر شوند، ساکنان اولیه آن منطقه هویت خود را در شرف زوال می‌بینند. تحت این شرایط است که افراد و گروه‌های موجود در جامعه، مهاجرت به مثابه‌ی یکی از چهار دستور کار امنیت جامعه‌ای مد نظر مکتب کپنهاگ، را تهدیدی علیه‌ی بقای خود به شمار آورده و امنیت جامعه‌ای خود را در معرض تهدیدات اساسی می‌بینند.

نتیجه‌گیری

در عصر حاضر، محیط زیست و مباحث مرتبط با آن از جمله نگرانی‌های شالوده‌ای سیاست جهانی به‌شمار می‌آید. پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهند بسیاری از تهدیدات بنیادین در برابر آینده‌ی بهتر جوامع بشری از مسائل زیست محیطی سرچشمه می‌گیرند. همان‌طور که تشریح شد، کشور ایران به سبب موقعیت جغرافیایی‌اش در زمره‌ی کشورهای است که همواره تحت‌تاثیر ناامنی‌های زیست محیطی بوده است. شدت تخریب محیط زیست در کشور به گونه‌ای است که دیگر نمی‌توان بدان به چشم یک مساله‌ی کم اهمیت نگریست. مساله‌ای که روز به روز بر دامنه‌ی ابعادش افزوده می‌شود و از رهگذر آن زیست جمعی ایرانیان متأثر می‌گردد. طی چند دهه گذشته تغییرات اقلیمی، خشکسالی‌های پیاپی و بحران گسترده‌ی آب، در کنار فقدان مدیریت کارآمد، توسعه نامتوازن و بی‌توجهی به جستار پایدار محیط زیست، موجب گردیده تا بسیاری از هموطنان از روی استیصال، ناگزیر به مهاجرت، جابه جایی و اسکان غیررسمی در نواحی از کشور شوند که کمتر درگیر مسائلی از جنس محیط زیست باشند؛ مهاجرتی که این بار مساله‌ی بقا، عامل اصلی آن شناخته می‌شود. مطالب پیش گفته و بررسی‌های صورت گرفته در این نوشتار، حاکی از هم‌خوانی جابه جایی جمعیت

با نقشه خشکسالی کشور طی دهه‌های گذشته دارد. در حقیقت مشکلات زیست محیطی همچون تغییرات اقلیمی، خشکسالی و بحران آب از جمله زمینه‌های اساسی بروز و گسترش مهاجرت‌های زیست محیطی در داخل کشور به‌شمار می‌آیند. مهاجرت‌هایی که پیامدهای گسترده‌ای بر ابعاد مختلف امنیت ملی به ویژه امنیت جامعه‌ای بر جای گذاشته است. از این‌رو نوشتار حاضر با هدف بررسی پیامدهای تهدیدات زیست محیطی بر امنیت جامعه‌ای، مسائل محیط زیستی مبتلا به ایران امروز را مورد کاوش قرار داد. واکاوی مهم‌ترین تهدیدات زیست محیطی در کشور بر ما آشکار ساخت که پیامدهای منبث از این مخاطرات همچون مهاجرت‌های زیست محیطی و حاشیه‌نشینی، با به چالش کشیدن هویت افراد و گروه‌های اجتماعی، منجر به شکل‌گیری بحران هویت در جامعه شده است. به گونه‌ای که می‌توان گفت اوج‌گیری بحران هویت اجتماعی ناشی از مهاجرت‌های زیست محیطی و گسترش پدیده شوم حاشیه‌نشینی، امنیت جامعه‌ای ایران را با تهدیدات اساسی روبرو ساخته و موج جدیدی از نگرانی‌ها برای حصول امنیت پایدار در گستره ملی را ایجاد نموده است.

پیشنهادات و توصیه‌های سیاستی

در خصوص الزامات سیاستی، بیش از هر چیز ایران نیازمند دگردیسی ذهنیت تصمیم‌گیرندگان نسبت به مسائل محیط زیست است. تا هنگامی که تهدیدات زیست محیطی به یکی از اولویت‌های امنیت ملی کشور تبدیل نگردد، نمی‌توان در برابر پیامدهای آن جان سالم به در برد. در واقع حل موفق و مدیریت این تهدیدات، فراتر از ظرفیت یک سازمان یا نهاد بوده و نیازمند اتخاذ رویکرد همکارانه^۱ است. موضوعی که نیازمند در نظر گرفتن تمامی ابعاد و سهم کردن همه‌ی ذی‌نفعان، برای دستیابی به راه‌حل پایدار است. از همین‌رو پیشنهادات ذیل می‌تواند هر چند کم، راه‌گشای تصمیم‌سازان این عرصه باشد:

≠ لزوم توجه به مهاجرت‌های زیست محیطی در اسناد بالادستی و برنامه‌های کلان کشور؛
≠ عنایت به توسعه متوازن در راستای کاهش نابرابری‌ها به عنوان یکی از عوامل مهاجرت‌های زیست محیطی؛

≠ عطف توجه به مبحث آمایش سرزمینی و تدوین الگوی ملی بازتوزیع جغرافیایی جمعیت؛
≠ تاسیس نهاد متولی مهاجرت با هدف تدوین سیاست‌گذاری‌های مناسب مهاجرتی؛
≠ تقویت برنامه‌ریزی شهری جهت نیل به توسعه پایدار شهری؛
≠ اصلاح سیاست‌گذاری و توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مناطق روستایی در

¹ Collaborative

برنامه‌های توسعه.

قدردانی

با توجه به این‌که مقاله‌ی حاضر مستخرج از رساله دکتری دانشگاه مازندران می‌باشد، لذا نویسندگان از حمایت‌های همه کسانی که در نگارش این مقاله با نظرات سازنده و اصلاحی خود بر غنای آن افزوده‌اند، کمال تشکر را دارند.

کتابنامه

1. Abbaszadeh. H. (2010). *Social capital and sustainable national security (case study of Iran in the 1380s)*. Thesis for M.A in Political Science. University of Kharazmi. Faculty of Literature and Humanities. [In Persian].
2. Abdullah Khani. A. (2004). *Theories of security: an introduction to planning the doctrine of national security (1)*. Iran. Tehran: Tehran International Studies & Research Institute. [In Persian].
3. Afrooz, S. (2018). *Environment and green organization*. Iran. Tehran: Atran publication. [In Persian].
4. Aliee. A., Rostami. S. & Karami. S. (2018). Water shortage crisis and its social risks in Iran; Criticism and solutions. *International Journal of Nations Research*. 3 (29). 63-74. [In Persian].
5. Arabpour. E. (2023). Investigating the Status of Environmental Indicators in Iran from a Sociological Perspective. *Journal of Socio-Economic Development Studies*. 1 (1). 304-335. [In Persian].
6. Arayesh. M.B. (2017). Pro-environmental analysis of the water and drought scenario based on the theory of planned behavior of Ajzen from the viewpoint of farmers in Ilam County. *Journal of Interdisciplinary Studies in the humanities*. 9 (4). 135-170. [In Persian].
7. Babaei. M. (2019). Migration due to environmental problems. *Nature and Environment Quarterly (Senobar)*. 8. 55-58. [In Persian].
8. Binaiean. A., Agahi. H. & Fatemi. S. E. (2018). Assessment of Social Water Security in Rural Districts of Kermanshah County. *Agricultural Extension and Education Research*. 11 (2). 50-65. [In Persian].
9. Busby. Joshua. (2017). *Water and U.S. National Security*. Center for Preventive Action and the Program on Energy Security and Climate Change at the Maurice R. Greenberg Center for Geo economic Studies.
10. Buzan, B. (2010). *People, States and Fear*. Translation by the Research Institute for Strategic Studies. Iran. Tehran: Research Institute for Strategic Studies. [In Persian].
11. Buzan. B., Waver. O. & Wilde. J. D. (1998). *Security: A New Framework for Analysis*, Lynne Rienner Publishers.
12. Campbell. D., Barker. D. & McGregor. D. (2011). Dealing with drought: Small farmers and environmental hazards in southern St. Elizabeth, Jamaica. *Applied Geography*. 31 (1). 146-158. doi: 10.1016/j.apgeog.2010.03.007.

13. Environmental Performance Index. (2022). *Ranking country performance on sustainability issues*. EPI Report. New Haven. CT: Yale Center for Environmental Law & Policy. epi.yale.edu.
14. FAO. (2021). *The impact of disasters and crises on agriculture and food security*. Rome. At: <https://doi.org/10.4060/cb3673en>.
15. Finger. M. (1991). The Military the Nation state and Environment. *The Ecologist*. 21 (5). 220-225.
16. Ghezelsofla. M.T. (2020). *Corona politics: between retrotopia and utopia*. Iran. Tehran: Omidesaba. [In Persian].
17. Ghezelsofla. M.T., Ghorchi. M. & Ghasemi. A. (2022). The Effects of Environmental Damages and Dangers on Life Sphere. *Political Organizing of Space*. 4 (3). 193-207. [In Persian].
18. Hama. H. (2017). State Security, Societal Security, and Human Security. *Jadavpur Journal of International Relations*. 21(1). June. 1-19.
19. Hoseaini. M. & Kadkhodaei. S. (2015). Environmental crises and their political and social consequences (Case study: micro dusts of Lake Urmia). *International development conference focusing on agriculture, environment and tourism*. Tabriz. At: <https://civilica.com/doc/468614>. [In Persian].
20. Institute for Economics & Peace. (2021). *Ecological Threat Report 2021*. Understanding Ecological Threats. Resilience and Peace. Sydney. October. At: <http://visionofhumanity.org/resources>.
21. IOM. (2007). *Discussion Note: Migration and the Environment*. MC/INF/288 – 1 November 2007 - Ninety Fourth Session. Geneva: International Organization for Migration.
22. Iran Migration Outlook. (2022). *Iran Migration Observatory*. Iran. Tehran: Sharif University Policy Research Institute. [In Persian].
23. ISNA website. (2022). *Changing the theme of environmental migration from "quality of life" to "preserving survival"*. 7. June. 2022. At: <https://www.isna.ir/news/1401031711423>. [In Persian].
24. Jajarmi. K., Pishgahifard. Z. & Mahkouii. H. (2013). Assessment of environmental threats in Iran's national security. *Strategy Quarterly*. 22 (67). 193-203. [In Persian].
25. Karami. S. (2017). *Effect of Climate Change on National Security (Case Study: Iran's Centerla Watershed Basin)*. A Thesis for Receipt Degree of PhD in Political Geography. University of Kharazmi. Faculty of Geographical Sciences. [In Persian].
26. Karimi Male. A. (2015). Security on the water circuit, The role of water in politics and political conflicts. *Economic annex Shaghdaily*. August. 110-112. [In Persian].
27. Kavianirad. M. (2010). Spatial analysis of environmental risks and ecological crises in Iran. *Strategic studies quarterly*. 13 (48). 33-57. [In Persian].
28. Kavianirad. M. (2011). Environmental security from a geopolitical perspective. *Journal of Applied researches in Geographical Sciences*. 20 (23). 85-106. [In Persian].
29. Khorsandi. M & Jalalian. A. (2022). The Principle of Prohibition of Repatriation of Refugees from the Perspective of Human Rights Documents with Emphasis on Environmental Refugees. *Legal Civilization*. 5 (12). 91-106. [In Persian].
30. Khosravipour. B, Zangenh. M. & Khodamoradpour. M. (2018). Water crisis and drought (challenges and solutions). *Journal of Research in the Arts and Humanities*. 3 (12). 79-91. [In Persian].

31. Kia. M. (2021). The impact of environmental security on the consolidation of sustainable peace in the 21st century: obstacles and challenges. *International Journal of Nations Research*, 6 (70). 25-49. [In Persian].
32. Larsson. S & Rhinard, M. (2020). *Comparing and conceptualising Nordic societal security*. Routledge. University of Copenhagen.
33. Mahmoudian. H. & Mahmoudiani. S. (2018). *Investigating the situation of internal migration and urbanization in Iran with emphasis on the period 2011-2016*. United Nations Population Fund. University of Tehran. Faculty of Social Sciences. [In Persian].
34. Mehr website. (2022). *Khuzestanis on the migration line*. 7. June. 2022. At: <https://www.mehrnews.com/news/5491376>. [In Persian].
35. Mossalanejad. A. (2008). A Study on Different Aspects of Environmental Security Considering Critical School. *Journal of Environmental Studies*. 34 (46). 139-148. [In Persian].
36. Nasri. GH. (2002). The meaning and pillars of the sociology of security. *Strategy Quarterly*. 26. 112-133. [In Persian].
37. Nasri. GH. (2011). *A theoretical introduction to societal security (concepts, components and theories)*. Iran. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian].
38. Pirizadeh. M (2019). *Security Consequences of Water Crisis in Fars Province*. Thesis for M.A in Political Science. University of Shiraz. Faculty of Law & Political Science. [In Persian].
39. Profile of the Geographical Organization of the Armed Forces. (2021). *Examining the phenomenon of drought in Iran*. Iran. Tehran: Publications of the Geographical Organization of the Armed Forces. [In Persian].
40. Rafiee. Z. (2022). Drought migrants in Iran. *Hamshahri online*. 28. June. 2022. At: <https://newspaper.hamshahrionline.ir/id/164584>. [In Persian].
41. Razmavar. F., Khajeh. M.M. & Mortazavi S.P. (2021). Effects of water crisis and drought on food security. *Second International Conference and Fifth National Conference on Natural Resources and Environment*. At: <https://newspaper.hamshahrionline.ir/id/164584>. [In Persian].
42. Renaud. F & Wirkus. L. (2012). Water, Climate Change and Human Security: Conflict and Migration. In Bigas. H. (Ed.). 2012. *The Global Water Crisis: Addressing an Urgent Security Issue*. Papers for the Inter Action Council. 2011-2012. Hamilton. Canada: UNU-INWEH.
43. Seyed Akhlaghi. S.J. & Taleshi. M. (2018). Improving the resilience of local communities; Future Strategy for dealing with drought Case study: Hablehrood watershed. *Journal of Iran nature*. 3 (10). 60-68. [In Persian].
44. Statistical Centre of Iran. (2016). *General population and housing census*. Iran. Tehran: Statistical Centre of Iran. [In Persian].
45. Tabatabai. S.M & Fathi. M.J. (2014). Evolution of the concept of security in NATO after the Cold War based on the Copenhagen school. *Globalization Strategic Studies Quarterly*. 5 (14). 7-42. [In Persian].
46. UNICEF. (2021). Water Security for all. March. At: <https://www.unicef.org/media/95241/file/water-security-for-all.pdf>.
47. United Nations Convention to Combat Desertification. (2022). *The Global Land Outlook*. second edition. UNCCD. Bonn.
48. Vaezmadani. B. (2017). Iran's environmental crises. *Efficiency monthly*. 34. 50-52. [In Persian].

49. Valigholizadeh. A. (2019). Explaining the Geographical-Political Role of Migration in Iran. *Geography and Development Quarterly*. 17 (56). 159-180. [In Persian].
50. Waever, O., Buzan, B., Kelstrup, M., & Lemaitre, P. (1993). *Identity, Migration, and the New Security Order in Europe*. London: Pinter.
51. Wang. L., Li. S., Ahmad. E., Zhang. G., Sun. Y., Wang. Y., Sun. C., Jiang. C., Cui. P. & Li. D. (2023). Global face mask pollution: threats to the environment and wildlife, and potential solutions. *Science of The Total Environment*. 887. August. 1-12. At: <https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2023.164055>.
52. Wang. Y., Yang. J. Chang. J & Zhang. R. (2019). Assessing the drought mitigation ability of the reservoir in the downstream of the Yellow River. *Science of the Total Environment*. 646. January. 1327-1335.
53. Wolf, M., Emerson, J.W., Esty, D.C., De Sherbinin, A., Wendling, Z. A. (2022). *Environmental Performance Index 2022*. New Haven. CT: Yale Center for Environmental Law & Policy. epi.yale.edu.

